

Translation Of The Foundation For The Formation Of The
Constitution In Iran

Anis Porkhosravani

Date Received : *26 October 2023*

Date Accepted : *30 October 2023*

abstract :

Translation in its current form started from the Qajar period. The movement of Iranians to Europe and the education of Iranian students in the West, as well as the establishment of Dar al-Funun and the teaching of European professors in it, showed the necessity of dealing with translation even more. The acquaintance of Iranians living in Europe and some Iranian employees of European embassies with the thoughts of Europeans provided the basis for Iranians to pay attention to social, cultural and political differences with European countries. Iranians turning to the translation of scientific texts and various European achievements paved the way for political and social reforms and the establishment of the rule of law. In this article, the role and position of translation in the creation of political and social developments leading to the formation of the constitutional revolution and the regulation of the constitution in Iran is analyzed and investigated with the descriptive-analytical method. The results of this research show that translation has been able to serve social reforms and, in a period of time, lay the foundation for the formation of Iranian society.

Key words: translation, constitutional revolution, political reforms, constitution



ترجمه بستر ساز تشکیل قانون اساسی در ایران

انیس پورخسروانی ۱

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸

چکیده:

ترجمه متون مختلف به شکل امروزی از دوران قاجار شروع شده است. رفت و آمد ایرانیان به اروپا برای تجارت، اعزام دانشجو به اروپا، تحصیل دانش آموزان ایرانی در غرب، تأسیس دارالفنون و همچنین تدریس معلمین اروپایی در آن لزوم پرداختن به ترجمه را هرچه بیشتر نمایان کرد. آشنایی با نهادهای پارلمان، دادگاه و اصطلاحات قانونگذاری، دموکراسی و همچنین تجدد خواهی، توسعه شهری، صنعت و از همه مهمتر افکار و نگرش اروپائیان توسط دانش آموختگان ایرانی در اروپا و بعضی کارمندان ایرانی سفارتخانه های اروپایی، زمینه توجه ایرانیان به تفاوت های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با کشورهای اروپایی را فراهم ساخت و روی آوردن ایرانیان به ترجمه متون علمی و دستاوردهای مختلف اروپایی راه را برای ایجاد اصلاحات سیاسی، اجتماعی و ایجاد حاکمیت قانون ایجاد کرد. در این مقاله قصد بر آن است؛ تا به شیوه نظری و با روشی توصیفی - تحلیلی نقش و جایگاه ترجمه در ایجاد تحولات سیاسی و اجتماعی منجر به شکل گیری انقلاب مشروطه، تشکیل مجلس و تدوین قانون اساسی در ایران به بررسی گذاشته شود. نتایج این پژوهش بیانگر آن است؛ که ترجمه در یک دوره زمانی توانسته است در خدمت اصلاحات اجتماعی و زمینه ساز تشکیل قانون اساسی در جامعه ایرانی قرار بگیرد.

کلمات کلیدی: ترجمه، انقلاب مشروطه، اصلاحات سیاسی، قانون اساسی

۱. انیس پورخسروانی، استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان، سیرجان، ایران

ترجمه در ایران با به قدرت رسیدن دولت قاجار شکل جدیدی پیدا کرد. این روند به این دلیل در جامعه شکل گرفت؛ که ارتباطات ایرانیان با جهان غرب بیشتر شد. از سویی درگیری‌ها و جنگ‌های میان ایران و روسیه که نتیجه آن ناکامی، شکست و جدا سازی بخشی‌های وسیعی از سرزمین ایران بود؛ هم برای صاحب منصبان با درایت و هم انسانهای آزاد اندیش فرصتی بود؛ تا با نگرستن به وضع موجود و مقایسه وضع دشمن با خود به فکر چاره اندیشی برای اصلاح اساسی جامعه باشند. از این رو بهترین وسیله برای شناخت بیشتر اروپاییان، مطالعه آثار و اندیشه‌های آنان بود؛ که این امر تنها از طریق دانستن زبان و ترجمه آثار ایشان میسر بود. از این رو به فکر افتادند؛ محصلینی را به کشورهای اروپایی برای یادگیری زبان و دانش آنان اعزام کنند. از سوی دیگر تأسیس دارالفنون خود نیاز به معلمین زبده داشت که بیشتر آنان از ممالک اروپایی برای تدریس علوم جدید به ایران آورده شدند. اغلب این معلمین از مترجمین بنام آن زمان نیز بودند. از این رو مترجمینی که در این دوره دست به ترجمه می زدند را می توان به سه گروه تقسیم کرد.

الف. نخستین گروه کارشناسان اروپایی بودند که به دلایل سیاسی، نظامی و علمی در ایران مقیم شدند. اینان زبان فارسی را در ایران آموخته بودند و بنابر تقاضای شخصیت‌ها و رجال قجری و بعضاً بر اثر نیاز حلقه‌های آموزشی در دارالفنون به ترجمه و نگارش از زبان‌های بیگانه اهتمام ورزیدند. ژول ریشار^۱ از مشهورترین این مترجمان است. او کتاب‌های تاریخ ناپلئون، تاریخ اسکندر، جلوس نیکلای اول و مملکتداری او را ترجمه کرد. جیمز کمل^۲ تاریخ اسکندر را به دستور عباس میرزا از کتاب‌های مختلف ترجمه و گردآوری کرد. مادروس داود خانف کتاب تاریخ روسیه از سرگئی سلیانف^۳ را در سال ۱۲۸۲ق و روزنامه ژورنال دوسن پترزبورگ^۴ را در سال ۱۲۹۶ق برای ناصرالدین شاه به فارسی ترجمه کرد. بارون نورمان^۵، تاریخ بیزمارک (بیسمارک)^۶ دکتر موریتس بوش^۷ آلمانی را به فارسی برگرداند. همچنین میرزا آنتوان خان^۸ کتابی در فن عکاسی از زبان فرانسه به فارسی ترجمه کرد. اوانس خان هم سفرنامه استانیلی به افریقا را ترجمه و به ناصرالدین شاه اهدا کرد.^۹

ب. گروه دوم از مترجمان دوره قاجار، ایرانیانی بودند که برای تحصیل به اروپا سفر کردند و در آن جا زبان‌های خارجی را آموختند. افزون بر ایشان گروهی به واسطه خدمت در سفارتخانه

۱-joule Richards

۲-James camel

۳-Sergey selyanov

۴- Journal de St. Petersburg

۵-Baron Norman

۶-Bismarck

۷-Maurits Bosch

۸-Antoine Khan

۹- خامه ای، انور، خاطرات سیاسی، تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۲۳.

های غربی و یا همکاری با کارشناسان غربی، با زبان های اروپایی آشنا شدند و به کار ترجمه آثار تمدن غرب مبادرت کردند.

میرزا رضا مهندس باشی از نخستین افرادی بود که به تشویق عباس میرزا برای تکمیل تحصیلات به اروپا سفر کرد. وی پس از بازگشت، کتاب هایی چون تاریخ تنزل و خرابی دولت روم، تاریخ ناپلئون اول، صواعق النظام و رساله در فشنگ را به فارسی ترجمه کرد.^۱

او همچنین به دستور عباس میرزا که مصمم بود علل پیشرفت روسیه را بداند کتاب پتر کبیر اثر ولتر^۲ را به فارسی ترجمه کرد. میرزا عیسی خان گروسی از دیگر مترجمان پرکار این دوره است؛ که چندین سفرنامه خارجی را چون سفرنامه شارل ژلیه، سفرنامه سوماترا از مسیووت، سفرنامه شام دکتر لرت (لرته) و سفرنامه موننگرو، اثر شارل ایریارت را به فارسی ترجمه کرد. مترجم دیگری به نام علی مترجم به ترجمه روزنامه ها و اخبار آن برای ناصرالدین شاه اقدام می کند و ترجمه هایی از چند شماره روزنامه سن پترزبورغ، روزنامه علمی ینگگی دنیا و سفرنامه موزر از او موجود است. میرزا محمدطاهر نیز تعدادی از رمان های مشهور آن دوره چون سه تفنگدار و پس از بیست سال، الکساندر دوما را ترجمه کرد.^۳

ج. گروه سوم کسانی بودند که قصد اصلی آنان ایجاد اصلاحات در جامعه بود. اینان یا همان محصلینی بودند که در مدارس اروپایی آموزش دیده و با جوامع آنجا به خوبی آشنا شده و در بازگشت از آن دیار هر کدام به نوعی در صدد بودند تا با ایجاد پیشنهادات اصلاحی، جامعه را از ورطه هلاکت نجات دهند و یا آن دسته از زبان آموختگان و کارکنان کنسولگری و یا سفارت خانه های کشورهای اروپایی در ایران بودند که به خوبی با فرهنگ، زبان و اندیشه غربیان آشنا شده و حتی سال هایی از عمر خود را در کشور های مذکور سپری کرده بودند. آنان با ترجمه بخش هایی از قوانین کشورهایایی که در آن بسر برده بودند و گنجاندن آن در پیشنهادهای اصلاحی خود آرزومند تغییرات اساسی در جامعه ایران بودند.

بند اول - ترجمه راهی به سوی اصلاحات اجتماعی در ایران

همانطور که گفته شد؛ گروه سوم از نسل مترجمین عهد قاجار افرادی بودند؛ که با قصد اصلاحات در جامعه به ترجمه متون اقدام می کردند. آنان با مشاهده پیشرفت جوامع کشورهای اروپایی هر کدام پیشنهادهای اصلاحی خود را به حکومت عرضه می کردند. از بین این اشخاص می توان به میرزا ملکم خان و یوسف خان مستشار الدوله اشاره کرد. میرزا ملکم خان که یکی از دانش آموختگان فرنگ بود به این منظور اصولی از اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه را در هشت فقره ترجمه و تلخیص و دفتری بنام دفتر تنظیمات جمع آوری می کند.^۴ ملکم خان

۱- همان، ص ۱۲۴.

۲- Francois Voltaire

۳- پیشین.

۴- اصل، حجت اله، ۱۳۷۶ از زندگی و اندیشه های میرزا ملکم خان ناظم الدوله، نی، تهران، ص ۳۹

باجلب نظر شاه این دفتر را فراهم آورد؛ که به نوعی از جنبش تنظیمات معاصر در امپراتوری عثمانی نیز ملهم بود و به عنوان یکی از نخستین پیشنهاد های نظام یافته برای اصلاحات اجتماعی ایران در قرن نوزدهم شناخته می شد.^۱ این رساله در واقع متضمن نخستین طرح قانون اساسی است که به شاه تقدیم می شود. او هدف از تنظیم چنین دفتری را بیماری دولت، وضعیت خطرناک آن و ناآگاهی و ناکارآمدی بزرگان قوم می داند که بخاطر شعور پایین، توانایی درک خطر وضعیت دولت را ندارند. دفتر تنظیمات ملکم دفتری است که برای بهبود اوضاع اسفناک ایران با توجه به احوال مغرب زمین و انقلاب فرانسه نوشته شده است. او می گوید: «در ایران با وجود همه نعمات طبیعی و فراهم بودن اسباب ترقی، دولت منکوب دول اطراف است و گرفتار انواع ذلت! به حقیقت اولیای مردم باید چقدر تدبیر کرده باشند که چنین ملکی را به چنین ذلت رسانیده باشند.» او خواهان تغییر وضع حکمرانی و حرکت در مسیر ترقی است و برای اصلاح امور سیاسی در ایران پیروی از نظم غربی را پیشنهاد می کند. او در این رساله سه نوع حکومت را مطرح می کند. حکومت «مطلق غیر منظم» که مدل دولت های آسیایی می باشد؛ که امور آنان پریشان است زیرا بر هیچ قاعده ای استوار نیستند. حکومت «مطلق منظم» که اختیار قانونگزاری اجرایی با شخص پادشاه است اما متمایز از یکدیگرند. نوع سوم حکومت «معتدل» است که ملت اختیار وضع قانون را در آن دارد و دولت مجری آن است. ملکم در طرح قانون اساسی خود نظامی که مطرح کرده به ظاهر نظام مطلق است و اجرای حکومت ایران را بر قانون دانسته است که در آن اختیار وضع قانون بر عهده مجلس تنظیمات است و مجلس و وزیران اداره حکومت را بر عهده دارند. با این وصف شکل حکومت پیشنهادی او دولت منتظم است.

دومین شخصی که تاثیرگذار بر جریان ترجمه و آشنایی ایرانیان با متون حقوقی غرب می باشد؛ میرزا یوسف خان تبریزی ملقب به مستشارالدوله است. او فرزند حاجی میرزا کاظم تاجر تبریزی، از رجال سیاسی دوره قاجار، به سال ۱۲۳۹ق در تبریز به دنیا آمد و در همان شهر به تحصیل ادبیات عرب و علوم دینی پرداخت. در جوانی به خدمت کنسولگری انگلیس در تبریز درآمد؛ اما چندی بعد، از این سمت استعفا داد و مستخدم وزارت امور خارجه شد. میرزا یوسف به دلیل آشنایی با امور کنسولی به فرمان ناصرالدین شاه در ۱۲۷۰ق به سمت سرکنسول ایران در حاجی ترخان روسیه انتخاب شد. هشت سال در این سمت ماند سپس به کشور بازگشت. اما پس از چند ماه، مجدداً راهی حاجی ترخان شد. در این مرحله بود که به قصد دیدار از سایر نقاط روسیه به مسکو و سن پترزبورگ رفت. او در این دوره بر یافته های خود از اوضاع کشورهای اروپایی افزود. چه او پیشتر با منشیگری در کنسولگری انگلیس در تبریز با شیوه های حکومتداری در غرب آشنا شده بود و هشت سال اقامت در حاجی ترخان، این فرصت را برای او فراهم آورده بود که از نزدیک با نحوه اداره امور روسیه آشنا گردد. میرزایوسف پس از عزیمت به پترزبورگ، شش ماه با عنوان وزیر مختار ایران به کار پرداخت و از ۱۲۸۰ق به مدت چهارسال در سمت ژنرال کنسول ایران در تفلیس گمارده شد. سپس در ۱۲۸۳ق با سمت شارژدافر (کاردار) ایران در فرانسه، از راه استانبول به پاریس رفت. او سه سال در این سمت ماند و در این مدت چهار بار

۱- آبراهامیان، ی رواند، (۱۳۷۷) ایران بین دو انقلاب، ترجمه، کاظم فیروز مند، حسن شمس آوری، محسن مدیر شانه چی، نشر مرکز، تهران، ص ۶۰.

به لندن سفر کرد. او در یکی از این سفرها با میرزا ملکم خان ملاقات کرد. در ۱۲۸۶ق به تهران بازگشت اما برای بار دوم با سمت کنسول ایران در پاریس به فرانسه برگشت. او در این سفر، دست به نگارش کتابی با عنوان «یک کلمه» زد.^۱ که بسیاری معتقدند این کتاب ترجمه قانون اساسی فرانسه است. اندیشه های مستشارالدوله را می توان در نامه ای جست که در پایان عمر خود زمانی که در آذربایجان به عنوان کارگزار مشغول بکار بود برای مظفرالدین شاه قاجار نوشت. این نامه که در اصل نصیحت نامه ای به شاه است در برگیرنده تمام اندیشه ها، خواست ها و آرزوهای مستشارالدوله است. بخشی از این نوشته ها اختصاص به تأسیس قوانین جدید دارد. او می گوید: «رفع خطرات و چاره اشکالات ایران را به دو کلمه می توان اصلاح کرد که باید از اعمال گذشته چشم پوشید و شروع به تأسیس قوانین تازه نمود. از این راه می توان احترام و اعتبار سابقه دولت و ملت قدیم ایران را در انظار اقوام خارجه و ملل متمدنه و همسایگان مجدداً جلب کرد؛ و این مطلب در نظر خردمندان مستقیم الدراک، چنان واضح و آشکار است که محتاج به هیچ دلیل و برهان نیست. محتمل است بدین وسیله آثار و اسبابی که نیکبختی مملکت را امنیت تواند داد؛ بدست آید که بعدها مأمورین دوایر دولتی که از عالی و دانی و بزرگ و کوچک در اعمال و افعالی که در خور درجه مأموریت ایشان است، خود را به انقیاد و اطاعت مواد و احکام قانونیه مکلف بدانند و مساوات حقوقیه به عموم اهالی و زبردستان از هر صنف و طایفه داده شود و برای حصول صلاح آنها، هرگونه تدبیری که لازم است به کار برند.» چنان که از نوشته های مستشارالدوله بر می آید راه نجات ایران را در ایجاد قانون می داند و در هر نوشته ای که به سوی مظفرالدین شاه روانه می سازد بر لزوم وجود قانون برای کوتاه کردن دست درباریان از امور و سلیقه ای عمل کردن آنها تأکید می کند. تلاش مستشارالدوله برای نزدیکی قوانین منبعث از غرب با تفکرات اسلامی را میتوان در لابه لای سطوح کتاب یک کلمه او جستجو کرد. مستشار الملک از نوشتن کتاب یک کلمه با ترجمه فقرات نوزده گانه قانون اساسی فرانسه قصد داشت؛ تا این فقرات مبنای حکومت قانون و حقوق جدید در جامعه ایران باشد.^۳ او تمام سعی خود را برآن داشته تا میان قوانین اسلامی و قانون اساسی فرانسه تطبیق برقرار کند و در واقع منشاء آن قانون را آیات و روایات اسلامی بداند.

بند دوم - جنبش ترجمه زمینه ساز انقلاب مشروطه

به تعبیر صاحب نظران انقلاب زمانی رخ میدهد؛ که رفتار خشونت آمیز پذیرفته شده و این حالی است که تمامی روشهای دیگر برای تحول شکست خورده است. در واقع بروز انقلاب مبین احساس ناتوانی و شکست یک نظام اجتماعی است.^۴ انقلاب را باید در بطن نظامهای اجتماعی محل وقوع آنها مطالعه کرد. اگر نظام توانایی هماهنگی با تغییرات محیطی و نتایج متأثر از ارزشهای داخلی و خارجی و همچنین تحولات محیط داخلی و بین المللی را داشته باشد؛ به حالت تعادل باز میگردد. عدم هماهنگی میان محیط و ارزشها شرط لازم برای وقوع انقلاب

۱- مستشارالدوله، میرزا یوسف، به کوشش صادق فیض، انتشارات صباح، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲، صص ۱۳ و ۱۴.

۲- آرین پور، یحیی، از صبا تا نیما، زوار، تهران، ۱۳۸۷، صص ۲۸۲.

۳- مستشارالدوله، میرزا یوسف، به کوشش صادق فیض (۱۳۸۲) انتشارات صباح، چاپ اول، تهران، صص ۴۵.

۴- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۷۲) سیری در نظریه های انقلاب، قومس، تهران صص ۸.

است. از این روی می توان گفت: یک انقلاب نتیجه نظام اجتماعی نا متعادل است.^۱ انقلاب مشروطه نیز تحت چنین شرایطی بوجود آمد. تحولات جوامع غربی در زمینه های علمی، فنی، اقتصادی، سیاسی و آگاهی روشنفکران ایرانی از این تحولات که نتیجه و اثر مستقیم از جنبش ترجمه داشته است؛ محیط را برای آگاهی سازی داخلی و تفکر در مورد علت های عقب ماندگی ایرانیان در مقابل جهان غرب منجمله اروپا فراهم ساخت. نتیجه این تحولات انقلاب مشروطه بود که در تاریخ سیاسی ایران از اهمیت والایی برخوردار است. اهمیت آن را باید در تغییر ساختار حاکمیت و تدوین و شکل گیری قانون اساسی برای ایران دانست. باید توجه داشت که انقلاب مشروطه نخستین جلوه گاه جدال مستقیم فرهنگ سنتی ایرانی - اسلامی و مدرنیته ی غربی بود. آدو عامل مهم در چگونگی شکل گیری انقلاب مشروطه و عواملی که از خارج از ایران تاثیر گذار بر مشروطه بودند؛ عبارتند از: یکی عوامل ارزشی خارجی مثل تفکرات در زمینه آزادی، وطن، پارلمان، قانون اساسی، حکومت قانون و تعلیم و تربیت که همه اینها به مدد حرکت ترجمه وارد ایران شده بودند و دیگری عوامل محیطی خارجی که گویای آشنایی ایرانیان با پیشرفتهای صنعتی غرب، گسترش شهر نشینی، رشد جمعیت، ورود صنایع و حرفه های نو به ایران است. هر دو عامل بر شکل گیری انقلاب مشروطه تاثیر گذار بوده است. انقلاب مشروطه نیز خود شروع تحولات جدیدی بود؛ که منجر به تشکیل مجلس و تدوین و شکل گیری قانون اساسی شد.

بند سوم - انقلاب مشروطه و تشکیل مجلس

یکی از اساسی ترین بنیانهای نهضت مشروطیت تأسیس مجلسی بود؛ که نمایانگر خواست و اراده ی مردم و مشارکت سیاسی آنان باشد. تأسیس مجلس شورای ملی یکی از شروط متحصنین بود. اما هنگامی که ناصرالدین شاه حکم تأسیس مجلس را امضا کرد به خاطر خواست روحانیت، نام آن را به مجلس شورای اسلامی تغییر داد. هر چند بعدها دوباره نام مجلس شورای ملی بر آن نهاده شد.^۲ در میان نهادهای سیاسی، مجلس مهمترین ابزار سیاست است که مانند یک نیروی متعادل کننده از ستیزهای اجتماعی و سیاسی می کاهد؛ مطالبات ملی را در مسیر مشخص و قانونی به پیش می برد و زیاده روی دولت را مهار می کند و در عین حال اقتدار آن را توجیه می کند. (ملایی توانی، ۱۳۸۳: ۱۱۵)^۴

مجلس به عنوان نهادی مطرح می شد؛ که اراده ملت در آن تجلی می یافت، زیرا اساس حکومت و بنیادهای قدرت از ملت و اراده عمومی ناشی می شد. ازین رو مجلس نماد واقعی نظام

۱- کوهن، گوئل (۱۳۷۲) تاریخ سانسور در مطبوعات، تهران، ص ۱۳۵.

۲- لمبتون، آن کاترین، ایران عصر قاجار (ضمایم مترجم)، ترجمه: سیمین فصیحی، تهران، انتشارات جاودان خرد، ۱۳۷۵

۳- اکبرزاده، فریدون (۱۳۸۰) نقش رهبری در نهضت مشروطه، ملی نفت و انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۴۳.

۴- ملایی توانی، علی رضا، مشروطه و جمهوری ریشه های نابسامانی، نظم دموکراتیک در ایران، نشر گسترش، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۱۵.

مشروطه و مردمی ترین رکن آن به حساب می آمد،^۱ صدور فرمان مشروطیت که به مثابه تغییر نظام سیاسی ایران بود شور و هیجان زیادی را در بین اقشار ملت بوجود می آورد.^۲ سیزده مرداد ۱۲۸۵ ه.ش در تاریخ ایران از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا در آن تاریخ شاه، فرمان تشکیل مجلس را صادر کرد؛ اما میلیون به دلیل نیامدن نام ملت در عنوان اصلی با آن مخالفت کردند اما روز بعد اعلامیه ای از سوی شاه صادر شد که عبارت افراد ملت در آن گنجانده شده بود ولی نام مجلس ملی در آن مجلس شورای اسلامی آمده بود که باز با مخالفت ملیون روبرو شد به دلیل اعتراض ملیون نام مجلس به مجلس شورای ملی تغییر یافت.^۳

سرانجام در روز یکشنبه ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ ه.ق مجلس شورای ملی با حضور وزیران و نمایندگان سیاسی خارجی در کاخ گلستان به وسیله مظفرالدین شاه افتتاح شد در این جلسه علمایی مانند طباطبایی و بهبهانی و تنی چند از مجتهدین تهران نیز حضور داشتند.^۴ تشکیل مجلس، قدرت سلطنت را کاهش می داد و وزیران را مکلف می ساخت تا در مقابل نمایندگان مجلس پاسخگو باشند.

بند چهارم - لزوم نگارش قانون اساسی

با آغاز به کار مجلس شورای ملی مهمترین وظیفه ای که در پیش روی آن قرار داشت تدوین و تصویب قانون اساسی مشروطه بود قانون اساسی که از آن بعنوان نظام نامه اساسی یاد می شد در ۵۱ ماده تدوین و در روز ۱۴ ذی القعدة ۱۳۲۴ ه.ق به امضای مظفرالدین شاه و محمد علی میرزای ولیعهد رسید. در مورد چگونگی نگارش قانون اساسی گفته شد؛ که مشیر الملک و مؤتمن الملک پسران صدر اعظم آن را ترجمه کردند این قانون بر اساس قانون اساسی بلژیک نوشته شد که خود آن قانون نیز از قانون اساسی فرانسه اقتباس شده بود.^۵ هرچند به گفته ای علاوه بر قانون اساسی ۱۸۳۱ م. بلژیک قانون اساسی بلغارستان را نیز مبنای نگارش قانون اساسی مشروطه می شناسند.^۶ نظرات دیگری نیز مبنی بر اینکه قانون اساسی ایران ترجمه شده و بطور مستقیم از اعلامیه حقوق بشر فرانسه و نظام های دموکراتیک و سکولار غرب اخذ شده است که در آن آزادی های فردی، حقوق انسان، مساوات و برابری همه اقشار در برابر قانون، آزادی عقیده، بیان و قلم به گونه ای اساسی تضمین گشته بود.^۷ قانون اساسی مشروطیت مخالفان و موافقانی داشت. موافقان با دلایلی چون تعدد قوانین در باره یک جرم و گاه تناقضات میان آنها همچنین تابعیت از مقتضات زمان همانند اصولیون به مشروطه خواهی روی آوردند. افرادی چون مستشارالدوله

۱- همان

۲- شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، نشر زریاب، تهران ۱۳۷۹، ص ۲۴۱.

۳- آقاری، ژانت، مشروطه ی ایران، ترجمه رضایی، انتشارات بیستون، تهران، ۱۳۷۹، ص ۱۲۳.

۴- پیشین، ص ۲۶۵.

۵- هدایت، مهدی قلی خان، خاطرات و خطرات، زوار، تهران، ۱۳۴۴، ص ۶۴.

۶- آقاری، ژانت، پیشین، ص ۹۴.

۷- ملایی توانی، علی رضا (۱۳۸۳) مشروطه و جمهوری ریشه های نابسامانی، نظم دموکراتیک در ایران ۱۲۷۴، نشر

گسترش، تهران، ص ۵۸.

و فتحعلی آخوند زاده از این دست بودند.^۱ در مقابل این قانون مخالفانی نیز داشت این مخالفان هم از دربار بودند وهم افراد غیر دربار! افراد درباری به خاطر کاهش نفوذ خود مخالف مشروطه بودند اما علمای دینی براین باور بودند که با اعتقاد به دین اسلام به عنوان آخرین و کاملترین دین الهی بر آن بودند که اسلام برآورنده تمام نیاز های بشری حتی در قضیه وضع قانون بوده است. از جمله شیخ فضل الله نوری معتقد بود که انسان همواره از برآورد قانونی برتر از قانون اسلام عاجز است چون اکثریت قریب به اتفاق مشروطه طلبان خواهان اقتباس قانون از غرب بودند. لذا مخالفان مشروطه با ترجیح دادن قوانین اسلامی با قانون های غیر اسلامی مخالفت کرده وقانون اساسی را حتی در تعارض با شرع دانستند و قانون گذاری را در حکم بدعت می شمردند.^۲ سرانجام در روز ۲۷ جمادی الثانی (بیست ششم مرداد ۱۲۸۵) به دعوت دولت عده ای از بزرگان در مدرسه نظام دور هم جمع شدند. وهیأتی مرکب از مرتضی قلی صنیع الدوله، محتشم السلطنه مشیر الملک (حسن پیرنیا)، مؤتمن الملک (حسین پیرنیا)، مهدی قلی خان مخبر السلطنه، هدایت محمد قلی خان مخبرالملک وچند تن دیگر مأمور تهیه نظامنامه انتخابات شدند. هیچ یک از علماء در این هیئت حضور نداشتند. (مجلس شورای ملی) همه اعضای این هیئت نسبت به حقوق کشورهایی اروپایی مانند آلمان و فرانسه آگاهی داشتند. از جمله کسانی که با این هیأت همکاری داشت؛ محمد خان صدیق حضرت از استادان مدرسه علوم سیاسی بود.^۳ مخبر السلطنه هدایت می نویسد ما همگی قوانین اساسی فرانسه و بلژیک را خوانده بودیم کشوری که در مسیر ناشناخته ای قدم می گذارد باید به آهستگی حرکت کند. متاسفانه قانون اساسی بلژیک که بر اساس قانون اساسی فرانسه نوشته شده بود الگوی ما قرار گرفت. پس از گذشت سی وچند روز از امضای فرمان مشروطیت قانون انتخابات در ۱۹ رجب ۱۳۲۴ (شهریور ۱۲۸۵) به امضاء رسید و انتخاب نمایندگان به صورت طبقاتی و صنفی انجام شد. نخستین دوره مجلس که باید آن را مجلس مؤسسان خواند پس از دوماه از تاریخ فرمان مشروطیت ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ ق. ۱۴ مهر ۱۲۸۵ برابر با ۱۷ اکتبر ۱۹۰۶ م. تشکیل شد. دوازده روز پس از افتتاح مجلس، قانون اساسی از طرف صدر اعظم به مجلس داده شد ولی مجلس آن را مستبدانه دانست و آن را برگرداند. نمایندگان خود به تدوین قانون اساسی پرداختند. طرح قانون اساسی را مشیر الملک ومؤتمن الملک تهیه و به قول کسروی ترجمه کرده بودند.^۴ مجلس مقرر کرد؛ که هیئت متشکل از صنیع الدوله، مهدی قلی خان مخبر السلطنه، محمد قلی خان مخبر الدوله، میرزا حسن خان مشیر الدوله وعده ای از نمایندگان مجلس مأمور نوشتن قانون اساسی شدند و آن را به نظر سیدین (سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی) نیز رساندند که مورد تایید قرار گرفت وپس از تصویب برای توشیح فرستادند. (مجلس شورای ملی ۱۳۴۶: ۳)^۵

به بهانه بیماری مظفرالدین شاه مدتی در توشیح قانون اساسی تاخیر شد و سپس درباریان رفع

۱- مهرآبادی، میترا (۱۳۸۴) پژوهش نامه تخصصی تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد، ص ۱۳.

۲- اکبرزاده، فریدون، پیشین، ص ۷۹

۳- پزشک زاده، ایرج، ۱۳۸۵ مروری بر تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، انتشارات نهضت مقاومت ملی، ص ۸۸.

۴- هدایت، پیشین ص ۹۹.

۵- رحیمی، مصطفی (۱۳۵۷) قانون اساسی و اصول دموکراسی، امیرکبیر، تهران، ص ۷۶.

۶- مجلس شورای ملی، مجموعه قوانین دوره قانونگذاری نخست - ۱۲ مهر ۱۲۸۵ تا ۲ تیر ۱۲۸۷

بعضی از ایرادها را بهانه قرار دادند. برای رفع آن ایرادها کمیسیون مرکب از نمایندگان دولت: محتشم السلطنه، موید الدوله و مشیر الملک با چند تن از نمایندگان تشکیل شد که سر انجام متن قانون اساسی در روز ۱۴ ذی القعدة ۱۳۲۴ق. به امضای شاه رسید و فردای همان روز به مجلس تقدیم شد. عناوین قانون اساسی ایران عبارتند از: در تشکیل مجلس - در وظایف مجلس و حدود و حقوق آن - در اظهار مطالب به مجلس شورای ملی - عنوان مطالب از طرف مجلس - در شرایط تشکیل مجلس سنا همه این عناوین در قانون اساسی بلژیک زیر عنوان سوم (قوای مملکت) و فصل یکم (مجلس ها) در آن دارای ۵۱ اصل است. در ماده ۲۵ تا ماده ۶۰ آمده است. قانون اساسی ایران دارای ۵۱ اصل می باشد. که چهل اصل آن مختص ایران است اما بقیه آن از قانون اساسی بلژیک اقتباس شده است.

بند پنجم - تلاش مستشارالملک برای نزدیکی قوانین منبعث از غرب با تفکرات اسلامی

مستشار الملک در نوشتن کتاب (یک کلمه) با ترجمه فقرات نوزدگانه قانون اساسی فرانسه قصد داشت تا این فقرات مبنای حکومت قانون و حقوق جدید در جامعه ایران باشد. او تمام سعی خود را بر آن داشته تا میان قوانین اسلامی و قانون اساسی فرانسه تطبیق برقرار کند و در واقع منشاء آن قانون را آیات و روایات اسلامی بداند. لازم است برای روشن شدن موضوع به ذکر فصولی از کتاب یک کلمه بپردازیم.

بند ششم - خلاصه فصل یازدهم از کتاب یک کلمه

«فقره یازدهم تحریر اصول دخل و خرج دولت و نشر آن است. بدهی اهالی را قدر معینی لازم است و این قدر معین را در مقابل خرج دولت، مقیاس و میزانی است ضرور. اگر مخارج یک دولت، محرر و معلوم نباشد، تعیین مالیات بر وجه عدالت میسر نشود و مقدار احتیاج اداره‌ها چون اداره لشکر و اداره داخله و اداره خارجه و غیره بدین طریق معلوم می شود. یعنی قبل از وقت مشخص می کنند که برای وزارت جنگ فلان مقدار و برای وزارت داخله، فلان مقدار و برای وزارت خارجه، فلان مقدار مخارج خواهد شد و با این طرز، خلاصی از اسراف در خرج دولت و رفع تعدی نسبت به رعایا آسان می گردد و از آن طرف هم چون اهالی می دانند که مخارج لازمه دولت فلان مقدار است، در ادای آن تعلل نمی ورزند. پس این قاعده نیز در شریعت مطهره اسلامی به باب تبلیغ و تفهیم مطابق است با حدیث «فَلْيَبْلُغُ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ» یعنی، شما که در این مجلس حاضرید، تبلیغ بکنید غایبان را.

بند هفتم - بخشی از فصل دوازدهم کتاب یک کلمه

«فقره دوازدهم از فقرات نوزده گانه، هر وزیر و امیر و حاکم در مأموریت خود مسئول بودن است. سبب مسئول بودن این است که هر مأمور مکلف است به متابعت احکام قانون، چون سایر مکلفان و این قاعده نیز از شریعت اسلام است، زیرا که در قرآن عظیم هر تکلیفی به صیغه جمع آمده «أَطِيعُوا وَأُتُوا» فرموده و خطاب عام کرده، حتی ذات پیغمبر، صلی الله علیه و آله، را از تکلیف استثنا ننموده. مسلمانان که بر مکلف بودن انبیاء و اولیاء معتقدند، هیچ حاکم و امیری را از تکلیف

آزاد نمی توانند شمرد. حدیث: «كُلُّكُمْ رَاعٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ» مؤید این قول است.

بند هشتم - فصل سیزدهم کتاب یک کلمه

«فقره سیزدهم، تفریق قدرت تشریح از قدرت تنفیذ است. مقصود از این سخن آن است که وضع و تنظیم قوانین در اختیار مجلسی باشد و تنفیذ و اجرای آن در دست مجلس دیگر. چنان که آن مجلس هیچ گونه بیم و امیدی از این مجلس نداشته باشد، تا که هر یک از دو مجلس ودیعه خود را با استقلال و آزادی تمام حفظ توانند کرد. اگر در فواید و محسنات تفریق دو اختیار مذکور، صد جلد کتاب نوشته شود، باز هزار یک فواید آن را شرح نمی توان داد. الان هرگونه ترقی و قدرت و قوت و ثروت و معموریت و تجارت که در دول فرنگستان دیده می شود، از نتایج جدایی دو اختیار است، و هر قسم بی نظمی و بی پولی و عدم قدرت و نکث در صنایع و تجارت و زراعت در مشرق زمین مشاهده می شود، از اختلاط و امتزاج دو اختیار است. عقلای روی زمین از روی تحقیق و تجربه گفته اند: در دولتی که دو اختیار مخلوط هم استعمال بشود، ممکن نیست که باعث ضعف و خرابی و بلکه بالمآل سبب انقراض آن دولت نگردد. بالجمله این قانون مستحسنه فرنگستان نیز از قوانین قدیمه اسلامیه است، چنان که در ایام پیشین، مجتهد و مفتی در وظیفه خود، و والیان و محتسبان در وظیفه اجرا و تنفیذ، مستقل بودند. اگر چه تنظیم قانون و تنفیذش در حقیقت به مرجع واحد، یعنی به وحدت امامت مربوط است، ولی در ترتیب، تفریق واجب است. چنانکه شیخ علی کرکی در شرح شرایع الاسلام در کتاب امر به معروف می گوید: «و یفرق بین الحکم و افتوی بان الحکم انشاء قول فی حکم شرعی یتعلق بواقعہ شخصیه کالحکم علی عمرو و بنبوت دین زید فی ذمته. و اما الفتوی فانها بیان حکم شرعی لایتعلق بماده شخصیه و إنما هو علی وجه کلی فهو فی الحقیقه بیان مسئله شرعیه.»

بند نهم - فصل هفدهم از کتاب یک کلمه

فقره هفدهم عدم شکنجه و تعذیب است.

مادام که هر گناهی را در کتاب قانون جزای مخصوص و معین موجود است، تعذیب جانی برای اقرار گرفتن و به بهانه های دیگر غیرممکن است؛ و جزای هر تقصیر قبل از وقت در کتاب قانون معین است و احدی از حکام و امراء و سران لشکر، جرأت و قدرت ندارند که نسبت به زبردستان خود بدون حکم قانون به هوای نفس، به جهت اقرار گرفتن یا سبب های دیگر که محض ظن باشد، چوبی بزنند یا شکنجه بکنند یا فحشی بگویند. حتی در قانون ایشان، چوب و تازیانه ممنوع است و در لسان ایشان فحش و دشنام نیست. و این قسم تنبیهاات را که خلاف شأن انسانیت است در حق اسب و استر و سایر حیوانات بارکش هم روا نمی دانند. این قانون شریف نیز طبق قانون اسلام است، چنان که خدای تعالی در قرآن مجید می فرماید: «وَمَنْ جَاءَ بِالسِّيئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا» ایضاً در سوره نحل [آیه ۱۲۶] فرموده: «وَأِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ» ایضاً در سوره آل عمران آیه ۲۴ و در سوره زمر آیه ۷۰.

بند دهم - فصل نوزدهم

«فقره نوزدهم از فقرات نوزده‌گانه حقوق عامه، بنای مکتب‌خانه‌ها و معلم‌خانه‌ها برای تربیت اطفال فقرا است. چون تعلم علوم و معارف در فرنگستان، مطلقاً از الزم امور و اقدم وظایف است، لهذا تعلیم اطفال فقرا و مساکین حتی نابینایان را از حقوق عامه شمرده‌اند. بنابراین نقل بعضی آثار شرعی از آیات قرآن و احادیث نبوی در شرف علم در اینجا مناسب افتاد. من جمله خدای تعالی در قرآن مجید می‌فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» یعنی، خدای تعالی اهل علم و دانش را درجات عالی و وعده فرموده. ایضاً در سوره زمر [آیه ۹ می‌فرماید]: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» تقدیم عالمان و تأخیر جاهلان را اشاره فرموده و ایضاً در سوره بقره آیه ۲۷۲ و ایضاً در سوره طه آیه ۱۱۳ و در سوره علق آیه‌های ۳ و ۴ و در سوره عنکبوت آیه ۲۲ و در سوره نحل آیه ۴۵ و در سوره بنی اسرائیل آیه ۱۳ در شرف و فضیلت علم تأکیدات بلیغه فرموده. و حدیث معاذبن جبل در فضیلت علم و تعلم در کتاب جامع ابن عبدالبر، مسطور است که جناب رسالت پناه، صلی الله علیه و آله، فرموده: «تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَإِنَّ تَعَلْمَهُ حَسَنَةٌ، وَطَلَبُهُ عِبَادَةٌ. وَذَاكَرْتَهُ تَسْبِيحٌ وَالْبَحْثُ عَنْهُ جِهَادٌ وَتَعْلِيمُهُ لِمَنْ لَا يَعْلَمُهُ صَدَقَةٌ وَبَذْلُهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَةٌ. لِأَنَّهُ مَعَالِمُ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَمَنَارٌ سُبُلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَهُوَ الْإِنْسِ فِي الْوَحْشَةِ وَالصَّاحِبُ فِي الْغُرْبَةِ وَالْمُحَدِّثُ فِي الْخَلْقِ وَالِدَّلِيلُ عَلَى السَّرَاءِ وَالضَّرَاءِ وَالسَّلَاحُ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَالزَّيْنُ عِنْدَ الْأَخْلَاءِ يَرْفَعُ اللَّهُ بِهِ أَقْوَامًا فَيَجْعَلُهُمْ فِي الْخَيْرِ قَادَةً وَائِمَّةً تَقْتَصِ أثارَهُمْ وَيَقْتَدِي بِفَعَالِهِمْ. تَرْمَقُ أَعْمَالَهُمْ وَتَقْبَسُ أثارَهُمْ وَتَرْغَبُ الْمَلَائِكَةُ فِي خَلْتِهِمْ وَبِأَجْنَحَتِهَا تَمَسِّحُهُمْ. يَسْتَغْفِرُ لَهُمْ كُلَّ رَطْبٍ وَيَأْبَسُ وَحَيْتَانِ الْبَحْرِ وَهُوَ أُمَةٌ وَسَبَّاحُ الْبَرِّ وَانْعَامُهُ لِأَنَّ الْعِلْمَ حَيَوَةَ الْقُلُوبِ مِنَ الْجَهْلِ وَمَصَابِيحُ الْأَبْصَارِ مِنَ الْعُمَى. يَبْلُغُ الْعَبْدَ بِالْعِلْمِ مَنَازِلَ الْأَخْيَارِ وَالدرجات العُلى في الدنيا والآخرة. التَّفَكُّرُ فِيهِ يُعَدِّلُ الصِّيَامَ وَمدارسته تعدل الصيام. بِهِ تَوْصَلُ الْأَرْحَامُ وَبِهِ يَعْرِفُ الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ وَهُوَ إِمَامُ الْعَقْلِ وَالْعَقْلُ تَابِعُهُ وَيُلْهِمُهُ السَّعْدَاءُ وَيُحَرِّمُهُ الْأَشْقِيَاءُ» و قال ایضاً «لا يُقْبَضُ الْعِلْمُ انْتِزَاعًا مِنَ النَّاسِ وَ لَكِنَّهُ يُقْبَضُ الْعُلَمَاءِ.» یعنی، علم قبض نمی شود و نمی میرد، لکن علماء قبض میشوند. و قال ایضاً «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» و مضمون کلام معجز نظام جناب ولایت مآب علی، علیه السلام، : الْعِلْمُ عِلْمَانِ عِلْمُ الْأَبْدَانِ وَ عِلْمُ الْأَدْيَانِ وَ الْعَقْلُ عَقْلَانِ عَقْلُ الْمَعَاشِ وَ عَقْلُ الْمَعَادِ ملتفت باید شد که علم ابدان را بر علم ادیان مقدم داشته. اگر چه در ایران مدارس بسیار هست و تحصیل علوم می‌کنند اما از برای معاد است نه از برای معاش. با اینکه پیغمبر (ص) فرموده: «مَنْ لَا مَعَاشَ لَهُ لَا مَعَادَ لَهُ.» و آن قسم تحصیل در جنب تحصیل علوم صنایع و معاش اهل فرنگستان، مثل چراغ است در مقابل آفتاب و مانند قطره است در جنب دریا. از اشعه علوم فرنگیها ذره‌ای به ایران تابیده، صنعت طباعت و آبله‌کوبی و تلغراف و عکس تصویر ایجاد شده که منافع و محسناتش مستغنی از بیان است.»^۱

بند یازدهم - موارد گرفته شده از قانون اساسی بلژیک

در اینجا به شرح مواردی می‌پردازیم که با کمی تغییرات از قانون اساسی بلژیک گرفته شده

است.

- ۱- اصل دوم قانون اساسی، این اصل در مورد نمایندگان مجلس شورای ملی است این اصل از ماده ۲۳ قانون اساسی بلژیک گرفته شده است. در آن ماده آمده بود. «اعضای هر دو مجلس (نمایندگان و سنا) تنها نماینده حوزه انتخابیه: شهرستان یا بخش خود نبوده بلکه نماینده ملت بشمار می آیند» در حالیکه بر اساس اصل دوم قانون اساسی ما «مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است. که در همه امور معاشی و سیاسی مملکت خود مشارکت دارند.» (خوبروی ۷۷۳۱: ۱۱۲-۱۱۳)
- ۲- اصل ۵ قانون اساسی از با تغییرات ۱۵ ماه قانون اساسی بلژیک گرفته شده است. در این ماده نمایندگان برای مدت چهار سال انتخاب می شوند و در پایان دو سال انتخاب نیمی از آنان تجدید می شود
- ۳- اصل ۲۱ قانون اساسی ایران درباره عدم تعرض به نمایندگان مجلس و یا دستگیری آنان در موارد جنحه جنایت است که این اصل از ماده ۵۴ قانون اساسی بلژیک گرفته شده است. با این تفاوت که در ایران برخلاف بلژیک تنها نمایندگان مجلس شورای ملی از این مصونیت برخوردار می شوند.
- ۴- همچنین اصول ۳۱، ۴۳ و ۵۳ قانون اساسی ایران که در باره علنی و محرمانه بودن جلسه های مجلس است که این سه اصل از ماده ۳۳ قانون اساسی بلژیک با تغییراتی گرفته شده است.
- در ماده ۳۳ قانون اساسی بلژیک آمده است «جلسات هر دو مجلس علنی است؛ اما هر یک از دو مجلس می توانند بنا به تقاضای رئیس و یا ۱ نفر از اعضای خود بطور محرمانه مذاکره کند. هر یک از دو مجلس می تواند با موافقت اکثریت مطلق نمایندگان خود، مورد مذاکره محرمانه را در جلسه علنی نیز مطرح کند» در قانون اساسی ایران (اصل ۳۱) تنها جز اول ماده ۳۳ قانون اساسی بلژیک (علنی بودن جلسه ها) گرفته شده است. اما با توجه به بی سابقه بودن مشارکت تماشاچیان و روزنامه نویسان در جلسات، حدود و وظایف آنان را هم ذکر کرده اند.
- ۵- اصل ۴۱ قانون اساسی درباره نظام نامه داخلی مجلس است که در قانون اساسی بلژیک (ماده ۶۴) درباره هر دو مجلس بوده در حالیکه در قانون اساسی ایران در مورد مجلس شورای ملی است.
- ۶- اصل ۴۴ قانون اساسی تصویب نظام نامه داخلی مجلس سنا را در صلاحیت مجلس شورای ملی دانسته است. در قانون اساسی بلژیک (ماده ۶۴) به هر یک از دو مجلس اجازه تهیه و تصویب نظامنامه داخلی خود را داده است که این امر ناشی از بد بینی تدوین کنندگان قانون بود که از وجود مجلس سنا و شیوه انتخاب نمایندگان آن بود که نصف اعضای آن به وسیله پادشاه انتخاب می شدند.
- ۷- اصل ۱۳ قانون اساسی در مورد حضور وزرا در مجلس، با تغییراتی از ماده ۸۸ قانون اساسی بلژیک گرفته شده است.
- ۸- اصل ۸۳ قانون اساسی درباره رد یا قبول مطالب از سوی نمایندگان مجلس شورای ملی با تغییراتی از ماده ۹۳ قانون اساسی بلژیک است.
- ۹- اصل ۳۴ در مورد مجلس سنا که جلسات آن بعد از تشکیل اجلاس مجلس شورای ملی خواهد بود از ماده ۹۵ قانون اساسی بلژیک اقتباس شده با این تفاوت که در اصل ۳۴ بعد از

نتیجه گیری:

آن چه از مطالب نوشته شده در این مقاله بر می آید؛ این است که ترجمه متون سیاسی، اجتماعی از زبان های اروپایی توانست بر آگاهی ایرانیان بیفزاید. مطالعه متونی که محتوایی سیاسی، اجتماعی داشتند؛ ایرانیان را با مفاهیم جدیدی آشنا کرد. مفاهیمی که از واژه هایی مانند قانون، مجلس، ملت، عدالتخانه و غیره بر می آمد. در آغاز کار عباس میرزا دستور به ترجمه کتاب پطر کبیر داد او هدفی جز شناخت بیشتر از اوضاع کشور روسیه نداشت. کشوری در کنار مرزهای ایران که توانسته بود با به دست آوردن پیروزی های پیاپی در جنگ با ایران بخش های وسیعی از خاک کشور را به تصرف خود در آورده و ضمیمه خاک خود کند. در دوران زمامداری ناصر الدین شاه، شاه خود دستور به ترجمه برخی متون تاریخی با هدف تجلیل از حکومت خود می داد. غافل از اینکه مطالعه این کتب، ایرانیان را متوجه تفاوت های فاحش میان پادشاهان ایران و شاهان اروپایی و فقر و تهیدستی مردم ایران و زندگی ثروتمندان اروپاییان می کرد و بدینوسیله موجبات تضعیف پایه های سلطنت قاجار را فراهم می آورد. از سوی دیگری بسیاری از افراد روشنفکر دست به ترجمه متونی با ماهیت سیاسی، اجتماعی زدند که هدف آنان از این کار روشنگری در جامعه ایران برای تغییر در ساختار سنتی و برقراری نظم و عدالت و ایجاد اصلاحات پایدار در جامعه استبداد زده و نا به سامان ایران بود. ملکم خان منشور حقوق بشر فرانسه را به فارسی ترجمه کرد تا لزوم وجود قانون را در کشور به پادشاه گوشزد کند و دارویی برای درمان ضعف و نابسامانی جامعه ایران بیابد. مستشار الدوله با انتشار کتاب یک کلمه فقرات نوزده گانه ای از قانون اساسی فرانسه را ترجمه و با تطبیق آن با آیات و روایت اسلامی ضمن پایه گذاری نخستین قانون اساسی برای کشور به علما، دربار و مردم عادی این نوید را داد؛ که قوانین جدید هیچگونه مغایرتی با احکام شرعی ندارند. با پیگیری اندیشه های جدید و مقایسه بین وضعیت کشور ایران و ملل اروپایی راز عقب ماندگی جامعه ایرانی به نحوه ی حکومت و قدرت حاکمه بر آن باز گشت. نگرش مردم نسبت به نوع حکومت و اداره ی مستبدانه کشور از سوی شاهان که اجازه هیچ دخالتی در امور مملکت را به افراد کار آمد و خیر خواه نمی دادند؛ عوض شد. مردم به این موضوع آگاهی پیدا کردند؛ که صاحب منصبان برای اینکه تسلط موروثی شان بر کشور از دست نرود با هرگونه حرکت مترقیانه و اصلاح طلبانه از سوی افرادی حتی از درون نظام مانند عباس میرزا، قائم مقام، امیر کبیر، سپه سالار و غیره بشدت مقابله کرده اند و به هر روش که توانسته اند؛ موجبات شکست این اصلاحات را فراهم آورده اند. این روشنگری ها اقشار مختلف مردم از روحانیون گرفته تا روشنفکران و مردم عادی را با یکدیگر متحد کرد؛ تا علیه یکی از مستبدانه ترین نظام های سیاسی خاور میانه دست به شورش و انقلاب بزنند و یکی از بزرگترین جنبش های سیاسی - اجتماعی معاصر ایران را بوجود آورند و پادشاه را مجبور به امضای فرمان مشروطیت کردند. با امضای فرمان مشروطیت و باز گشایی مجلس لزوم نگارشی قانون اساسی بیش از پیش احساس شد. در این جا نیز ترجمه به کمک قانون نویسان آمد. آنان که از تحصیلکردگان و زبان دانان بودند با ترجمه ی بخش هایی از قانون اساسی

کشورهای اروپایی به ویژه بلژیک، نخستین طرح قانون اساسی را به نگارش در آوردند. هرچند بعداً ایراداتی به آن گرفته شد در نهایت، قانون اساسی با ۵۱ اصل به تصویب رسید که ۱۱ اصل آن ترجمه و اقتباس از قانون اساسی کشور بلژیک بود.

منابع:

منابع پارسی:

- ۱- آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه، کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری، محسن مدیر شانه چی، نشر مرکز، تهران، ۷۷۳۱.
- ۲- آدمیت، فریدون، اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، طهوری، تهران، ۲۸۳۱.
- ۳- آدمیت فریدون، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، چاپ سوم، خوارزمی، تهران، ۵۸۳۱.
- ۴- اکبرزاده، فریدون، نقش رهبری در مشروطه، نهضت ملی نفت و انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۰۸۳۱.
- ۵- آراین پور، یحیی، از صبا تا نیما، زوار، تهران، ۷۸۳۱.
- ۶- اصیل، حجت‌الله، زندگی و اندیشه میرزا ملکمخان ناظم‌الدوله، نی، تهران، ۶۷۳۱.
- ۷- آقاری، ژانت، مشروطه‌ی ایران، ترجمه رضایی، انتشارات بیستون، تهران، ۹۷۳۱.
- ۸- خامه‌ای، انور، خاطرات سیاسی، تهران، ۱۷۳۱.
- ۹- پزشکی زاده، ایرج، مروری بر تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، انتشارات نهضت مقاومت ملی ایران، پاریس، ۲۸۳۱.
- ۱۰- توکلی طوقی، محمد، اثر آگاهی از انقلاب فرانسه در شکل‌گیری انگاره مشروطیت در ایران، ایران نامه، سال هشتم، شماره سوم، تابستان، ۹۶۳۱.
- ۲۱- خوبروی، محمد رضا، نقدی بر فئودالیسم، شیرازه، تهران، ۷۷۳۱.
- ۳۱- رحیمی، مصطفی، قانون اساسی و اصول دموکراسی، امیرکبیر، تهران، ۷۵۳۱.
- ۴۱- شمیم، علی اصغر ایران در دوره سلطنت قاجار، نشر زریاب، تهران، ۹۷۳۱.
- ۵۱- فشاهی محمدرضا، تحولات فکری و اجتماعی در جامعه فئودالی ایران، گوتنبرگ، تهران، ۶۸۳۱.
- ۶۱- مجلس شورای ملی، مجموعه قوانین دوره قانونگذاری نخست - ۲۱ مهر ۵۸۲۱ تا ۱۴۵ ۲ تیر ۷۸۲۱
- ۷۱- کوهن، گوئل، تاریخ سانسور در مطبوعات، تهران، ۲۷۳۱.
- ۸۱- فیض، سید صادق، مستشارالدوله، میرزا یوسف، انتشارات صباح، چاپ اول، تهران، ۲۸۳۱.
- ۹۱- ملک‌زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت، علمی، تهران، ۳۷۳۱.
- ۰۲- ملایی توانی، علی رضا، مشروطه و جمهوری ریشه‌های نابسامانی، نظم دموکراتیک در ایران ۴۷۲۱- نشر گسترش، تهران، ۳۸۳۱.
- ۱۲- ملکوتیان، مصطفی، سیری در نظریه‌های انقلاب، قومس، تهران، ۲۷۳۱.
- ۲۲- مهرآبادی، میترا، پژوهش نامه تخصصی تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد، ۴۸۳۱.
- ۳۲- نیکی آر کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر

- فرهنگ اسلامی، تهران، ۲۸۳۱.
- ۴۲- وطن دوست، غلامرضا، اندیشه های سیاسی میرزا یوسف خان مستشارالدوله
ومشروطه ایران؛ سمینار بررسی مبانی فکری واجتماعی مشروطیت ایران بزرگ داشت
آیت الله محمد کاظم خراسانی، انتشارات دانشگاه تهران، ۶۸۳۱.
- ۵۲- هدایت، مهدی قلی خان، خاطرات و خطرات، زوار، تهران، ۴۴۳۱.